

مقدمه مولف

سبا کوهساری

به نام خداوند حکیم و علیم و به یاد بزرگانی که اندیشه فلسفی را بنیان نهادند.

دانش فلسفه، یعنی زیستن بر پایه تفکر صحیح و سازنده. تفکری که هر بشری را در هر جای جهان می‌تواند به بالاترین سطح انسانیت خویش برساند. تفکری خداوندمحور که فقط مردمان بزرگ، حقیقت آن را در می‌یابند.

کتاب کمک‌درسی پیش روی شما دانش‌آموز گرامی با هدف جمع‌بندی و مرور سریع نکات دروس فلسفه یازدهم و دوازدهم ویژه کنکور سراسری تهیه شده است. این کتاب به جهت بیان ساده مسائل، در کنار کتب درسی، منبعی قوی برای فهم مسائل پیچیده فلسفه است. همچنین به نکات مهم و تستی هر مبحث، با توجه به شیوه طراحی سؤالات کنکور اشاره شده است. توصیه می‌شود تست‌های کتاب مینی‌میکرو فلسفه را با دقت پاسخ داده و سپس به جواب آن که در انتهای هر مطلب درسی آمده است، مراجعه کنید.

منطق و فلسفه دو یار جدانشدنی هستند. زیرا ابتدا باید در دانش منطق شیوه صحیح تفکر و اندیشیدن را آموخت و با اصطلاحات خاص دانش فلسفه آشنا شد و سپس قدم به وادی آموختن فلسفه گذاشت. از این‌رو جهت سهولت یادگیری شما عزیزان پیش از این اثر، کتاب مینی‌میکرو طلایی منطق کنکور را عرضه داشتیم و با بیانی داستانی و ساده و روان شما را در فهم پیچیدگی‌های مسائل منطقی یاری دادیم.

فهرست

پایه یازدهم

فلسفه و ابعاد آن ۸	فصل ۱
درس اول: چیستی فلسفه ۹	
درس دوم: ریشه و شاخه‌های فلسفه ۱۶	
درس سوم: آغاز تاریخی فلسفه ۲۰	
درس چهارم: فلسفه و زندگی ۲۵	
درس پنجم: زندگی بر اساس اندیشه ۳۰	
معرفت شناخت ۳۵	فصل ۲
درس ششم: امکان شناخت ۳۶	
درس هفتم: ابزارهای شناخت ۴۰	
درس هشتم: نگاهی به تاریخچه معرفت ۴۵	
انسان ۵۶	فصل ۳
درس نهم: چیستی انسان ۵۷	
درس دهم: انسان، موجود اخلاق‌گرا ۶۷	

فهرست پایه دوازدهم

بخش ۱	مسائل پیرامون واقعیت و هستی ۷۷ درس اول: هستی و چیستی ۷۸ درس دوم: جهان ممکنات ۸۴ درس سوم: جهان علی و معلولی ۸۹ درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟ ۹۶
بخش ۲	پیرامون خدا و عقل ۱۰۴ درس پنجم: خدا در فلسفه (۱) ۱۰۵ درس ششم: خدا در فلسفه (۲) ۱۱۳ درس هفتم: عقل در فلسفه (۱) ۱۱۹ درس هشتم: عقل در فلسفه (۲) ۱۲۵
بخش ۳	نگاه اجمالی به سیر فلسفه در جهان اسلام ۱۳۳ درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱) ۱۳۴ درس دهم: فلسفه در جهان اسلام (۲) ۱۴۰ درس یازدهم: دوران متأخر ۱۴۹



انسٹارٹ
بہن الملی
کے ج

فلسفہ

پایہ
یا ز دھم

فلسفه کنکور

فصل دوم معرفت و شناخت

امکان شناخت

TEST 21.

کدام گزینه بیانگر جمله صحیحی **نمی‌باشد**؟

- (۱) اینکه ما می‌کوشیم از خطرهای فاصله بگیریم یا به سمت چیزی برویم که به آن تمایل داریم ناشی از شناخت است.
- (۲) خداوند، فرشتگان، بهشت و جهنم و آسمان‌ها همه در دایره نامحسوسات قرار می‌گیرند.
- (۳) فیلسوف در رابطه با اندیشیدن نیز تفکر می‌کند.
- (۴) نظریه معرفت ناشی از ظهور دیدگاه‌های مختلف پیرامون مسأله شناخت به وجود آمد.

MINI BOX

نکته: یکی از مهم‌ترین بخش‌های فلسفه  اندیشیدن درباره اندیشیدن

● امور محسوس چیه؟

۱- اموری که با حواس پنج‌گانه قابل درک.

۲- دایره محسوسات  همه پدیده‌های جهان مادی
مثه چی؟ ستاره‌ها، درختان، رنگ‌ها و ...

● امور نامحسوس چیه؟

۱- موجودات غیرمادی که نه با حواس قابل درک هستن و نه با ابزاری که با حواس کار می‌کنن.

۲- دایره نامحسوسات  همه پدیده‌های جهان فرا مادی
مثه چی؟ فرشتگان.

یکی از ویژگی‌های انسان (شناخت اشیاء و پدیده‌های پیرامون /
برقراری ارتباط / دوری از خطر / تمایل به چیزی)

شناخت در مورد خودمان و جهان اطراف (تفکر در مورد امور برتر مثل
گذشته و آینده / موجودات نامحسوس / جهان غیرمادی)

با عمل آموختن و یادگیری به تدریج در مسیر شناخت پیش می‌رویم.

علم به این‌که در کنار آگاهی‌های ما حقایق زیادی در جهان هست
که هنوز نمی‌دونیم.

گاهی هم می‌فهمیم دانسته‌ها درست نبوده و دچار خطا شدیم. یا زمانی
که متوجه میشیم افراد مختلف در مورد یک موضوع واحد نظرات گوناگونی دارن.

شناخت

- اگر از دیدگاه پارمنیدس به جهان بنگریم «حس و حرکت» چه رابطه‌ای با یکدیگر **ندارند**؟
- (۱) عموم و خصوص مطلق
 - (۲) حرکتی وجود ندارد.
 - (۳) حرکت بدون حس شدن وجود دارد.
 - (۴) حرکت و حس غیرمعتبر هستند.

MINI BOX



هر اکلیتوس: شناخت حسی معتبره پس حرکت هم وجود داره چون حرکت قابل مشاهده حسیه!

ANALYSE

گزینۀ ۳ پاسخ

پارمنیدس به علت غیر معتبر دانستن شناخت حسی پس حرکت را نیز نمی‌پذیرد. گزینه ۱ حیطه علم منطق است و فرقی ندارد دیدگاه کدام فیلسوف را بررسی می‌کنیم چون علم منطق علم واضح و ثابتی است.



بی‌اعتباری حس و عقل

TEST 28

جمله زیر از کیست و او پیرو چه تفکری بوده است؟
«انسان مقیاس همه چیزهاست. مقیاس بودن چیزهایی که هستند و مقیاس نبودن چیزهایی که نیستند.»

- (۱) پروتاگوراس - بی‌اعتباری حس و عقل
- (۲) هراکلیتوس - سوفسطایی‌ها
- (۳) پروتاگوراس - سوفسطایی‌ها
- (۴) هراکلیتوس - بی‌اعتباری حس و عقل

MINI BOX

چشنگ از عنوان مشخصه کیا اینجوری بودن؟ سوفسطایی‌ها!
به‌خاطر درگیری شدید با مغالطات کلاً اصل امکان شناخت رو زیر سوال برده بودن و می‌گفتن همیشه به حقیقت رسید و شناخت (چه حسی چه عقلی) رو کلاً تعطیل اعلام کردن.
پروتاگوراس معتقد: ۱- حقیقت همون چیزیه که حواس هرکس بهش گواهی میده.
۲- هرچیزی برای کسی که بهش معتقد حقیقتیه حتی اگر برای کس دیگه‌ای اینجوری نباشه!!
۳- پس با این  وجود حقیقت امر یکسانی نیست و برای هر کسی متفاوت.
۴- اشیا هر طور که در هر نوبت به نظر هرکس میان همون طور هستن حتی اگر با نظر کس دیگه متفاوت باشه.
۵- از قول افلاطون توی رساله ثئات به اعتقاد پروتاگوراس: انسان مقیاس همه چیزه. مقیاس بودن چیزهایی که هستن و مقیاس نبودن چیزهایی که نیستن!!

ANALYSE



«بی‌اعتباری حس و عقل» جزو تفکرات سوفسطایی است و چون صورت سوال نام مکتب را خواسته این گزینه را انتخاب می‌کنیم.

کدام گزینه درباره جریانات فکری دوره جدید اروپا صحیح نیست؟

- (۱) کانت موسس مکتب اثبات گرایی بود.
- (۲) بیکن و دکارت سرآمدان دو مکتب مهم قرن شانزدهم در اروپا بودند.
- (۳) «نظام سیاست پوزیتیویستی» یکی از آثار فلاسفه قرن هجدهم است.
- (۴) دیدگاه اثبات گرایی همچنان بر نظریات فلاسفه اروپایی غلبه دارد.

MINI BOX



سوال مهم: آیا حس و تجربه ارزش دارد و انسان را به حقیقت می‌رسونه یا استدلال عقلی؟ دو گروه به وجود اومد: (۱) تجربه‌گرایان 🐟 **بیکن** اولین فیلسوفی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار داشت و به **اصالت تجربه** معتقد بود. معتقد بود فلاسفه گذشته به پیروی از ارسطو دنبال استدلال عقلی رفتن و علوم تجربی محصور در خرافات و تعصب‌های بیجا مونده و پیشرفت نکرد. **برعکسش:**

(۲) عقل‌گرایان 🐟 **دکارت** (فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی) **عقل‌گرا** بود و معتقد بود **انسان به‌طور ذاتی معرفت‌هایی داره که با عقل می‌تونه درک کنه**. مثل: اعتقاد به وجود خداوند و نفس و مجردات. برای فهم اینا هم نیاز به حس و تجربه نداره!

بحث بین دو تا گروه بالا داغ بود تا اینکه قرن ۱۸ میلادی **کانت** 🐟 (۱) با طرح دیدگاهی جدید بین این دو گرایش یه راهی باز کرد و نشون داد که معرفت حاصل همکاری عقل و حس هست. (مثل ملاصدرا که بین نظریات فلاسفه قبل خودش پیوند ایجاد کرد.)

فلسفہ کنکور

فصل سوم

انسان

نفس ناطقه (ارسطو)

36. TEST

از نظر ارسطو وجه شباهت و تمایز انسان با سایر حیوانات چیست؟

- (۱) جنس - نوع
(۲) جنس - نطق
(۳) فصل - اندیشه‌ورزی
(۴) فصل - نوع

MINI BOX

توی این درس دیدگاه‌های متفاوت فلاسفه مختلف رو در مورد «انسان» می‌خونیم. پس بهتره قبلش یه مقدار راجع به اینکه انسان چیه توضیح بدیم:

تفکر فلسفی درباره انسان: ۱- انسان‌شناسی فلسفی ❖ زیر مجموعه فلسفه مضاف
۲- پرداختن به مسائل مهم و بنیادین درباره انسان ❖ چیستی انسان - جایگاهش در جهان - آینده انسان - ویژگی‌های متمایز انسان - هویت اخلاقی
گاهی به جای «انسان‌شناسی» از «خودشناسی» استفاده میشه. یعنی شناخت هرکس از خودش، ویژگی‌ها و خصلت‌هاش ❖ الف) این معنا بیشتر توی مباحث اخلاقی و تربیتی به کار میره.
ب) خود ❖ حقیقت انسانی (خودشناسی = انسان‌شناسی)
● فلاسفه نظرات مختلف و گاه متضادی درباره انسان دارند یکیشون ارسطو هست که درمورد نفس ناطقه انسان صحبت می‌کنه:

۱- ارسطو معتقد به انسان، از لحاظ منطقی یه **اشتراکی با بقیه حیوانات** داره که اون **جنس** هست. پس یعنی انسان هم به نوعی حیوانه و ویژگی‌های حیوانات مثل: غریزه و احساس و ادراکات حسی رو داره.

۲- اما یه **فصل جداکننده** به اسم «نطق» یا «تفکر (اندیشه ورزی)» داره که اونو از بقیه حیوانات جدا می‌کنه.

۳- پس انسان **نوعی متفاوت از بقیه حیواناته** چون می‌تونه تفکر و استدلال کنه و فکراشو با قوه نطق به دیگران انتقال بده و باهاشون مرافقه علمی کنه.

۴- ارسطو معتقد: تفکر و نطق مربوط به **بُعد غیرمادی وجود انسانه** ❖ یعنی روح.

۵- **روح اندیشه** می‌کنه، اراده می‌کنه و از بدن در کارهای مختلف کمک می‌گیره.

پاسخ مناسب هر یک از پرسش‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(الف) وحدت حقیقی روح و بدن به چه معناست؟

(ب) ظرفیت پایان ناپذیر روح انسانی به چه معناست؟

(ج) انتخاب مسیر تکاملی به سمت خداوند نشانگر وجود کدام ویژگی انسان است؟

(د) شکل‌گیری هویت انسان به چه چیزی بستگی دارد؟

(ه) سفر از حق به خلق با حق یعنی چه؟

(۱) بدن در گرو روح است - ظرفیت بی‌نهایت - اراده - بالفعل شدن ویژگی‌های مثبت

انسان - همراهی خداوند در تمام لحظات زندگی

(۲) حقیقت دو بعدی انسان - سیری ناپذیری - کمال‌گرایی - شیوه زندگی بشر - سالک به

سمت خدا گرایش دارد و با او حرکت می‌کند.

(۳) روح باطن بدن است - به هر مرتبه کمالی می‌تواند دست یابد - اختیار - گزینش‌ها

و شیوه زندگی انسان - سالک در همه چیز خداوند را می‌بیند.

(۴) ضمیمه‌بودن روح و بدن - به هیچ مرتبه کمالی قانع نبودن - اختیار و اراده - نوع

زندگی کردن - گذشتن سالک از منیت

MINI BOX

● حکمت متعالیه ۱ - نام مکتب فلسفی ملاصدرا

۲ - حقیقت انسان دو بُعدی هست: روح و بدن

(همون طور که افلاطون، ارسطو، ابن‌سینا و دکارت گفته بودن)

(الف) روح، ضمیمه بدن نیست. نتیجه رشد و تکامل جسم و بدن هست.

(ب) روح و بدن جدای از هم نیستند و وحدتی حقیقی دارن. یعنی روح باطن بدن هست.

(ج) هراتفاقی در روح بیفته در بدن ظاهر میشه و هراتفاقی در بدن بیفته روی روح تاثیر میذاره.

۳ - روح انسانی آخرین درجه تکاملی هست که موجودات زنده می‌تونن بهش برسن. ظرفیتش

پایان نداره و روح می‌تونه به هر مرتبه کمالی در جهان دست پیدا کنه.

۴ - مراحل تکاملی طبیعت وقتی از گیاه و حیوان می‌گذره و به انسان میرسه ظرفیت بی‌نهایت

پیدا می‌کنه و به هیچ درجه‌ای از کمال قانع نمیشه!

۵- از نظر حکمت متعالیه، گرچه انسان ظرفیت و استعداد بی‌نهایت دارد اما این استعداد به‌معنی رسیدن بی‌چون و چرا و حتمی به کمالات نیست! **انسان باید با اختیار و اراده این ظرفیت رو به فعلیت برسوند.**

۶- باید **مسیر تکاملی به سمت خداوند** رو انتخاب کنه و با ایمان و عمل مسیر رو طی کنه. اگرچه **اختیار** دارد در مسیرهای دیگه‌ای غیر از این مسیر تکاملی هم قدم برداره.

۷- پس اول زندگی هنوز معلوم نیست که هر انسانی در آینده چه هویتی خواهد داشت؟ شجاع یا ترسو؟ عالم یا نادان؟ (مثه دیدگاه اگزیستانسیالیست) همه اینا **به‌صورت بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدنش به‌گزینه‌ها و شیوه زندگی انسان** مربوطه.

● **نکته:** دیدگاه صدرائیان به دیدگاه عرفا نزدیکه. عرفا معتقدن: انسان خلق شده تا مظهر خداوند در خلقت باشه. پس هر انسانی باید زندگیشو وقف سیر به سوی خدا کنه. این **سیر معنوی چهار مرحله** دارد:

اول ➡ سفر از خلق به سوی حق (یعنی خداوند): سالک از عالم طبیعت و منیت می‌گذره و مراتب کمال تا رسیدن به خدا رو طی می‌کنه.

دوم ➡ سفر حق با حق: عارف تلاش می‌کنه با کمک خداوند در صفات و اسماء او سیر کنه و صفات الهی رو در خودش محقق کنه و به‌وجود بیاره.

سوم ➡ سفر از حق به خلق با حق: سالک به سمت مردم (خلق) برمی‌گرده تا اونا رو به سمت حق (خداوند) راهنمایی کنه. در این برگشت خداوند با سالک همراهه **یعنی سالک در همه چیز خداوند رو میبینه.**

چهارم ➡ سفر خلق با حق: سالک به کمک مردم میاد تا به **اذن خداوند** اونا رو به سوی حق بیره.

ANALYSE

پاسخ **گزینه ۳**

در نگاه نخست شاید موارد مطرح شده در باقی گزینه‌ها نیز صحیح به نظر بیاید اما طبق متن کتاب بهترین و درست‌ترین پاسخ گزینه ۳ است.



انسٹارائن
بہن الملی
کے ج

فلسفہ

دوازدهم پایہ

فلسفه کنکور

بخش دوم

پیرامون خدا و عقل

- پاسخ صحیح سوالات زیر در کدام یک از گزینه‌ها آمده است؟
- (الف) عده‌ای معتقدند زرتشت، پیامبر بوده است، بر چه اساسی می‌توان این ادعا را پذیرفت؟
- (ب) مُبدع خدانشناسی فلسفی کیست؟
- (ج) چه کسی معتقد است نخستین استدلال مبنی بر وجود خداوند را ارسطو آورده است؟
- (د) ارسطو بهترین علم را چه می‌داند و توصیفش از خداوند چیست؟
- (۱) در کتاب شعر زرتشت آمده است - سقراط - یِگر - الهیات / شریف‌ترین موجود
- (۲) بهمن به شعر گفته است - ارسطو - تیلور - علم الهی / محرک غیر متحرک
- (۳) بهمن از جانب نورالانوار به زرتشت نازل می‌شد - افلاطون - یِگر - علم الهی / فعلیت بالذات
- (۴) در زرتشت نامه بهمن به خداوند گفته است - افلاطون - تیلور - الهیات / فعلیت تام

MINI BOX

تا اینجا متوجه شدیم که موجودات جهان ممکن الوجود هستند و معلولِ یه علت واجب‌الوجود بالذات که به اون‌ها وجود ببخشه و موجودات رو به واجب‌الوجود بالغیر تبدیل کنه. حالا وقتشه که نظریات فلاسفه در مورد خداوند رو بررسی کنیم.

(الف) ایران باستان: گزارش‌هایی از ایران باستان و نظر فلاسفه‌ای مثل سهروردی نشون میده که حکما در اون زمان شناخت روشنی از مبدأ هستی داشتن و **خداوند حکیم** رو **خالق جهان** و **نور هستی** می‌دونستن که با **پرتو و اشراق** خودش **پدیده‌ها رو ظاهر و خلق می‌کنه**. نخستین پرتو و مخلوق **بهمن (وجود مجرد)**

توی کتاب شعر «زرتشت نامه» آمده که: **بهمن از جانب خداوند (نورالانوار) به زرتشت نازل می‌شده.**

(ب) یونان باستان:

① فیلسوفان یونان باستان (سقراط، افلاطون و ارسطو) توی جامعه‌ای زندگی می‌کردن که مردمش به خدایان متعدد اعتقاد داشتن و هر کدوم از خدایان رو مبدأ و منشأ یه حقیقت توی جهان می‌دونستن.

② زئوس ⚡ خدای آسمان و باران

آپولون ⚡ خدای خورشید و هنر و موسیقی

آرتمیس ⚡ خدای عفت و خویشتن داری ... و با شرکت بقیه خدایان!

اعتقاد به این خدایان به حدی عمیق بود که هرکس انکارشون می‌کرد از جامعه یونان طرد می‌شد و مورد داشتیم که جونشم از دست داده.

۳) حاکمان و بزرگان جامعه یونان اجازه نمی‌دادن کسی با عقاید شرک آلودشون مخالفت کنه و به خدایان توهین کنه.

۴) اتهام اصلی سقراط هم این بود: خدایانی که همه بهشون معتقد بودن رو انکار می‌کرد و از خدای جدیدی حرف می‌زد.

۵) توی همچنین شریاطی افلاطون با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خداوند صحبت می‌کنه و می‌خواد که پندارها رو اصلاح کنه.

۶) تیلور (افلاطون شناس اروپایی) می‌گه:

الف) افلاطون ابداع‌کننده خداشناسی فلسفیه.

ب) از نظر افلاطون کار خداوند هدف داره.

ج) نزد افلاطون خداوند معین و با ویژگی‌های روشنه.

اینا با چند خدایی فرق داره. چون اگر چند خدایی رو بپذیریم اون وقت خلقت آگاهانه معنی نداره و چند خدایی شکل دیگه کفر و بی‌خدایی هست که افلاطون بهش اشاره کرده.



سیزده‌نامه وجود داره که افلاطون شناسان اون رو منصوب به افلاطون می‌دونن. افلاطون توی نامه سیزدهم می‌گه اگر اول نامه‌های من کلمه «خدا» رو دیدی بدون اون نامه دیدگاه اصلی منه ولی اگر کلمه «خدایان» بود دیگه اون نامه دیدگاه اصلی من نیست! این نشون میده چه فضای شرک‌آلودی وجود داشته.

توصیف افلاطون از خداوند: نوعی از هستی وجود داره که پیوسته ثابت. نه فرزندی می‌زاید و نه از بین می‌ره. نه چیز دیگه‌ای رو به خودش راه میده و نه خودش در چیزی فرو میره. دیدنی نیست و از طریق حواس دریافت نمیشه. فقط با تفکر و تعقل میشه بهش دست یافت و ارزش بهره‌مند شد.

توی رساله تیمائوس هم می‌گه: برای ما معیار همه چی خداست. هرکی می‌خواد محبوب خداوند بشه باید بکوشه تا در حد امکان شبیه خدا بشه. از بین ماکسی محبوب خداست که خویشتن دار و عفیف باشه و از دایره اعتدال پاشو بیرون نداره چون همچنین کسی دیگه شبیه خداوند نیست.



کدامیک از گزینه‌های زیر به ترتیب نظرات دکارت، هیوم، بارکلی و کانت را در رابطه با وجود خداوند مطرح می‌کند؟

(۱) همه موجودات از حقیقتی نامتناهی خلق شده‌اند - دلایل عقلی مردود هستند چون عقل ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد - از طریق شهود خویشتن به عنوان موجودی متناهی می‌توان به درک خداوند رسید - سعادت دائمی نیازمند جهان ماورائی است که مشروط به وجود خداوندی جاودان است.

(۲) ادراک هر موجودی از وجود نامتناهی سرچشمه می‌گیرد - برهان نظم از تجربه گرفته شده است - برهان نظم جهان ذهن انسان را به خداوند رهنمون می‌سازد - اختیار و اراده ویژگی نفس مادی است زیرا مختار بودن تنها در این جهان به کار می‌آید.

(۳) تصور خلق از وجود نامتناهی نمی‌تواند در ذهن موجود متناهی بگنجد - در برهان نظم نمی‌شود به وجود خالق واجب‌الوجود بالغیر رسید - از طریق درک خود به عنوان موجود لایتناهی می‌توان خداوند را اثبات کرد - اثبات خداوند از طریق نیاز انسان به خالق.

(۴) ادراک موجودات از وجود نامتناهی سرچشمه می‌گیرد - برهان نظم توانایی اثبات وجودی ازلی را ندارد - اعتقاد به خداوند به عنوان خالق جهان دارای نظم و اتقان، میسر نیست - اثبات ضرورت وجود خداوند از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی.

MINI BOX

اروپا (قرن ۱۴ و ۱۵) دو جریان فکری } عقل‌گرا
حس‌گرا (تجربه‌گرا)

۱ دکارت (فیلسوف عقل‌گرا قرن ۱۷) می‌گه: الف) من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که

خود من و هر چیز دیگه‌ای به وسیله او خلق شدیم، تصویری دارم.

ب) این تصور نمی‌تونه از خودم باشد چون من موجودی متناهی‌ام.

ج) پس این تصور از من و هر موجود متناهی دیگه‌ای نیست، بلکه از وجود نامتناهی سرچشمه

می‌گیره و اونه که می‌تونه چنین ادراکی به من بده.

۲) **دیوید هیوم** (فیلسوف تجربه‌گرای قرن ۱۸) می‌گه: الف) دلایل گذشتگان و دکارت همه قابل نقد کردنه.

ب) دلایل عقلی مردود هستن چون عقل ادراک مستقل از حس و تجربه نداره.

ج) مهم‌ترین برهان فیلسوفان الهی **برهان نظم** ۱) از تجربه گرفته شده
۲) این برهان توانایی اثبات یه وجود ازلی و ابدی و نامتناهی رو نداره.

د) یکی از دلایل ناتوانی این برهان: براساس نظم موجود در جهان، **حداکثر همیشه وجود یک ناظم**

و مدبر رو اثبات کرد اما همیشه به یه خالق نامتناهی و واجب‌الوجود بالذات رسید. **یعنی چی؟**

● قبل از هیوم فلاسفه تجربه‌گرایی بودن (از جمله **جان لاک** و **بارکلی**) که به خداوند اعتقاد داشتن و می‌خواستن وجود خداوند رو اثبات کنن ولی به‌خاطر نوع تفکر تجربه‌گرایانشون از براهین فلاسفه قبلیشون کمتر استفاده می‌کردن. این فیلسوفان یا می‌خواستن **از نظم جهان** به وجود خداوند برسن و یا از طریق **شهود خودشون** به عنوان یه موجود متناهی.

۳) **کانت** (فیلسوف عقل‌گرای قرن ۱۸ آلمان): الف) برای پذیرش خداوند، راهی متفاوت با دکارت و فلاسفه قبلی رو در پیش گرفت.

ب) به جای اثبات خداوند از طریق مخلوقات یا برهان علیت و وجوب و امکان، **ضرورت وجود خداوند رو از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.**

ج) زندگی جمعی انسان‌ها بدون رعایت اصول اخلاقی امکان‌پذیر نیست. اگر توی زندگی اجتماعی انسان‌ها حدود اخلاقی رو رعایت نکنن و مسئول کارهاشون نباشن **هرج و مرج** میشه و زندگی متلاشی میشه.

د) **مسئولیت‌پذیری و رعایت اخلاق** جایی معنی‌میده که انسان خودش رو صاحب اراده و اختیار ببینه چون برای موجود بی‌اختیار اصلاً وظیفه اخلاقی معنی نداره!

ه) این **اختیار و اراده** نمی‌تونه ویژگی بدن مادی باشه (که مثل سایر مواد هست) پس باید ویژگی نفسی غیرمادی و فناپذیر باشه که با مرگ از بین نمیره.

و) حالا این نفس مجردی که سعادتش در **گرو کسب فضیلت** و رعایت اصول اخلاقیه، چون موجودی جاودانه هست، برای سعادتمندی خودش به **جهان ماوراء** این دنیا نیاز داره و وجود چنین جهان ماورائی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی.

فلاسفه مسلمان و معناداری حیات

70. TEST

هر یک از مجموعه کلمات کلیدی نوشته شده در جدول زیر، به ترتیب مربوط به تفکرات کدام فیلسوف است؟

نام فیلسوف	کلمات کلیدی
؟	معنا - سکوت نامعقول جهان - کرامت انسانی
؟	اصالت وجود - برهان صدیقین - فقر و نیاز
؟	تساوی بودن و نبودن - وجود جزو ذات - برهان صدیقین
؟	محال بودن تسلسل علل نامتناهی - علة العلل موجودات

- (۱) راسل - ابن سینا - ملاصدرا - کامو
(۲) کامو - ملاصدرا - ابن سینا - فارابی
(۳) کامو - ابن سینا - ملاصدرا - فارابی
(۴) راسل - ملاصدرا - فارابی - ابن سینا

MINI BOX

فلاسفه مسلمان **وجود خداوند** و تاثیر اون در زندگی انسان رو به **آب** شبیه کردن. انسان اول از طریق حواس آب رو می شناسه و می فهمه یه امر واقعیه بعد می خوره و می بینه که نیاز تشنگیش برطرف شد. خدا هم برای بشر همین جوریه! **اعتقاد به خداوند** (اگر از راه عقلی و منطقی باشه) **به زندگی معنا میده** و **انسان رو وارد مرتبه ای برتر از زندگی می کنه** و **ارتباط روحی و معنوی** به وجود میاره. فیلسوف الهی معتقده: پذیرش وجود خداوند با صفاتی که داره به فیلسوف این امکان رو میده که معیارهای زندگی معنادار رو به دست بیاره:

- ۱ جهان رو غایتمند ببینه و بتونه راجع بهش توضیح بده.
- ۲ انسان رو موجودی هدفمند بشناسه با هدف مشخص.
- ۳ برای گرایش انسان به خیر و زیبایی ما بازایی واقعی قائل بشه.
- ۴ آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی رو معتبر بدونه.
- ۵ در برابر وجود متعالی احساس تعهد و مسئولیت داشته باشه.

صرفاً جهت اطلاع: طرفداران بودا میگویند: کسی که ایمان به بودا رو مشروط به استدلال عقلی می‌دونه مثل کسیه که تیری زهرآلود بهش خورده و براش دکتر میارن اما میگو: قبل از هرچیزی باید تیرانداز و کمانی که باهاش به من تیر زده رو بشناسم بعد به طبیب اجازه معالجه میدم! خب قطعاً این مجروح قبل از اینکه به خواستش برسه دار فانی رو وداع میگو. پس کسی هم که میگو من وقتی از مقام اعلی و روحانی بودا تبعیت می‌کنم و راهی که اون برای رستگاری گفته رو می‌پیمایم که بهم ثابت بشه جهان جاویده! این آدم قبل از اینکه مقام اعلای جاودانگی جهان براش جا بیفته می‌میره و رستگار هم نمیشه.

۱ **حس و قلب**، یکی از ابزار معرفت می‌دونن. ما به کمک

این ابزار می‌تونیم در مورد آیات و روایات فکر کنیم و از اونا

احکام و معارف رو بدست بیاریم.

۲ **قرآن و سنت** را یکی از منابع کسب احکام و معارف دین

می‌دونن. از مجتهدان هم می‌خوان برای رسیدن به حقایق

دین از عقل بهره ببرن.

۲ فلاسفه مسلمان **عقل** رو کنار

جایگاه عقل در دین

عقل به عنوان
ابزار کسب معرفت دینی

عقل به عنوان
منبع معرفت دینی

۳ فلاسفه مسلمان برای **کسب معرفت** علاوه بر **عقل**، **حس و شهود** رو هم معتبر می‌دونن و

بعضی‌هاشون تلاش می‌کردن با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی هم برسن. **وحی**

رو **عالی‌ترین مرتبه شهود** می‌دونن که **مختص پیامبران الهیه**. اون‌ها از طریق وحی به برترین

معارف دست پیدا می‌کنن و اون رو در اختیار انسان‌ها قرار میدن.

● استدلال عقلی، شهود و وحی ما رو به حقیقت می‌رسونه پس این سه تادر موضوعات مشترک به نتیجه واحدی میرسن و تاییدکننده همدیگه هستن. البته انسان‌ها چون توی توانمندی‌های عقلی محدودیت دارن ممکنه نتونن از استدلال‌های عقلی درست استفاده کنن و به نتیجه نادرست برسن! در نتیجه فکر می‌کنه که بین دستاوردهای عقلش با داده‌های وحی تعارض وجود داره! این جور وقتا باید تلاش علمی رو افزایش داد و از دانش دیگران هم استفاده کرد تا از میزان تعارض‌ها کم بشه. به همین خاطر ملاصدرا می‌گه: امکان نداره احکام دین حق الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشه و نفرین به اون فلسفه‌ای که قوانینش با قرآن و سنت پیامبر مخالف و متضاده!

● ابن‌سینا در مقدمه رساله معراجیه می‌گه: شریف‌ترین انسان و عزیزترین انبیا خاتم رسولان به مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزینه عقل، امیرالمومنین می‌فرماید: چون می‌بینی که مردم با انواع نیکی‌ها به سوی خالق خود تقرب می‌جویند، تو به انواع تعقل و تفکر به او تقرب جوی تا از آنان سبقت‌گیری.

ابن‌سینا در مورد این سخن می‌گه: این صحبت پیامبر جز در خطاب به حضرت علی (ع) ممکن نبود چون حضرت علی (ع) بین مردم مثل «معقول» در میان «محسوس» بود و با دیده بصیرت اسرار و حقایق رو ادراک می‌کرد و به همین جهت می‌فرمود: «اگر پرده‌ها کنار رود، بر یقین من افزوده نمی‌شود.»

ANALYSE



فلاسفه معتقدند: استدلال‌های عقلی معیار اولیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی است و به همین دلیل خود را «ابناء الدلیل» (فرزندان دلیل) می‌نامند. علت نادرستی گزینۀ ۴ این است که ملاصدرا چنین فلسفه‌ای را که در تقابل آیات و احادیث باشد نفرین می‌کند نه اینکه آن را دارای مقام، ولو پایین بداند.

فلسفه کنکور

بخش سوم

نگاهی اجمالی به سیر فلسفه
در جهان اسلام



زمینه‌های رشد فلسفه

TEST 78

پاسخ پرسش‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه به درستی آمده است؟

(الف) اولین فیلسوف مسلمان؟

(ب) دانشمندان قرن اول هجری؟

(ج) علوم ترجمه شده در نهضت ترجمه متون؟

(۱) یعقوب بن اسحاق / فلاسفه / منطق و فلسفه و نجوم

(۲) حنین بن اسحاق / فلاسفه / ریاضیات و ادب و سیاست

(۳) کندی / متکلمین / نجوم و طب و هندسه

(۴) یعقوب بن اسحاق / متکلمین / سیاست و ادب و طب

MINI BOX

از ورود فلسفه به جهان اسلام ۱۳ قرن می‌گذرد. یعنی ۱۳ قرنه که مسلمانان نوعی «حیات علمی» یا «حیات فلسفی» دارن. این **حیات علمی و فلسفی** از **ثمرات حیات عقلی** هستن. بعد از گذشتن حدود **دو قرن** از حیات اسلام، رشد فلسفه به حدی رسید که اولین فیلسوف مشهور مسلمان به اسم **کندی** حدود ۲۷۰ تا کتاب و رساله از خودش به یادگار گذاشت.

وجود حیات عقلی و احترام به عقل توی جامعه مثل یه زمین آمادس که دانه هر شاخه‌ای از دانش رو که توی اون بکاریم ثمرش درخت تنومندی میشه.

به گزارش مورخان، حیات تعقلی مسلمانان  ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی ^{مقارن با}

پایه‌گذاری حیات عقلی جامعه اسلامی توسط  قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص)

روش‌های خاص و بدیع پیامبر (ص) باعث شد تا **جامعه در زمان کوتاهی به مرتبه‌ای ممتاز** از **حیات عقلی** برسه.

قران کریم، پیامبر (ص) و پیشوایان بزرگوار برای **حیات عقلی** (یعنی فضای فرهنگی و اجتماعی جهت بحث و گفت‌وگوی عقلانی)  ۱ زمینه‌سازی کردن ۲ فرصت تفکر

برای مردم رو به وجود آوردن

TEST 83

حکیم اشراقی

پاسخ پرسش‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 الف) چه چیزهایی از نظر سهروردی گمراه کننده و بی نتیجه هستند؟

ب) سیر تلاش فیلسوف اشراقی به ترتیب کدام است؟

۱) الف) استدلال محض بدون رسیدن به قلب و سلوک روحانی بدون تربیت عقلانی

ب) استدلال ◀▶ شهود قلبی ▶◀ انتقال به دیگران با استدلال و برهان

۲) الف) سیر و سلوک قلبی بدون تربیت عقلانی و شیوه استدلالی محض بدون رسیدن به قلب

ب) بحث ▶◀ شهود قلبی ▶◀ انتقال به دیگران با شهود عقلانی

۳) الف) سلوک روحانی بدون تربیت عقلانی و استدلال محض بدون رسیدن به قلب

ب) استدلال ▶◀ شهود قلبی ▶◀ انتقال به دیگران با استدلال و برهان

۴) الف) تحقیق فلسفی بدون باور قلبی و سیر و سلوک روحانی بدون شهود عقلانی

ب) بحث ▶◀ شهود قلبی ▶◀ انتقال به دیگران با شهود عقلانی

MINI BOX

مهم‌ترین کتاب شیخ شهاب‌الدین سهروردی مؤسس مکتب جدیدی در فلسفه اسلام.

شیخ توی این کتاب از شیوه مشائیان فراتر رفت و حکمت اشراقی رو پایه‌گذاری کرد.

منبع اصلی حکمت اشراق و به زبان عربی.

نخستین بارهانی کرین (فیلسوف فرانسوی) تصحیح و چاپ کرد.

حکمة الاشراق

● شیخ اشراق به ابن‌سینا احترام می‌داشت و در عین حال تلاش می‌کرد حکمت استدلالی ابن‌سینا رو با کشف و شهود قلبی به کمال برسونه.



احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان + عرفان اسلامی

حکمت اشراق

بحث از وجود که فقط به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی‌کند و اون رو با سیر و سلوک قلبی همراه می‌کند.

فیلسوف اشراقی  تلاش می‌کند تا: ۱ چیزی که با بحث و استدلال بدست آورده رو با شهود قلبی و تجربه درونی بفهمد تا به ذائقه دل برسونه. ۲ چیزی که از طریق شهود بدست آورده رو با استدلال و برهان به دیگران منتقل کند.

تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض **بدون** رسیدن به قلب **بی نتیجه** هست.

از نظر سهروردی

سیر و سلوک روحانی و قلبی **بدون** تربیت عقلانی که **گمراه** کنندس.

ANALYSE

 **پاسخ**  **گزینه ۳**

باید توجه داشت که طبق صورت سوال ابتدا نظر سهروردی راجع به مسأله‌ای که گمراه کننده است و سپس نظر او راجع به مسأله‌ای که بی نتیجه است پاسخ داده شود. در گزینه‌های ۲ و ۳ این سوال به ترتیب قسمت الف به درستی پاسخ داده شده است. اما سوال قسمت «ب» تنها در گزینه ۳ درست پاسخ داده شده که در نتیجه این گزینه صحیح است.

E
T
O
N